

جرايد و مطبوعات وتأثير أنها در انقلاب مشروطه

استاد يار. د. رؤوف محمود سعيد
دانشگاه ضرمو / دانشکده ثرورش

تاریخ استلام البحث : ۲۵ / ۹ / ۲۰۱۶ تاریخ نشر البحث : ۲۰ / ۴ / ۲۰۱۷

ثيشطفتار

بهنام خداوند جان آفرين

(۱) عنوان پژوهش

در ابتدا موضوع را کة انتخاب کرده ام (جرايد و مطبوعات و تأثیر آنها در انقلاب مشروطه) البته ظهور روزنامه نطاری فارسی مستقیماً به تأثیر تمدن غرب مربوط است. ساخت، نوع و نطاة اسلوب شناسانهای علمی مقالات را کة در مطبوعات فارسی شد نویسندهای تحصیلکرده براساس اسلوب اروثايي، ضة در اورثا و ضة در مدارس مدرن جديد ايراني، از غرب وام طرفتند. يا اين وجود تغييرات اجتماعي، سياسي و اقتصادي داخلي در جامعه ايران در زمرةى عوامل عمدهى توسعه ثايدار روزنامه نطاری فارسي قرار داشت. (۲) سبب اختيار پژوهش:

هدف اختيار اين پژوهش مختصر شناخت بيشتري به جرايد و مطبوعات و تأثیر آنها در انقلاب مشروطه، اينجا كوشش کرده ام که درباره روزنامه نطاری و تأثیر آنها در انقلاب مشروطه ضيزي بينويسم، تا بتوانم مختصري درباره جرائد و مطبوعات در دوران مشروطه شرح بدهم، اين پژوهش حاوی بر ضهار مبحث است، که شامل روزنامه و روزنامه نویسی و روزنامه نطاری فارسي و جرايد و مطبوعات در دوره اول مشروطيت و جرائد و مطبوعات در دوره دوم مشروطيت می باشند.

(۳) اهميت اين پژوهش :

ضون روزنامه نطاری تأثیرات مهمی در انقلاب مشروطه کرده است، و جرائد و مطبوعات در دوره مشروطه در ثايتخت و در شهرستانهای ديپتری ايران تغييرات بزرتي اجتماعي و سياسي و اقتصادي کرده است، و نویسندهان يا قدرت تمام خود را قلمشان به کاربردده است برای ثيشرفت مردم ايراني. بنده به طور کوتاه اين بحث را آماده کرده ام، هدف از آن نوشتن موضوعی درباره جرائد و مطبوعات در ايران در دوره مشروطه مبحث ای اين پژوهش عبارتند از:

مبحث اول : روزنامه و روزنامه نویسی

مبحث دوم: روزنامه نطاری فارسي.

مبحث سوم: جرائد و مطبوعات در دوره اول مشروطيت.

مبحث ضهارم: جرائد و مطبوعات در دوره دوم مشروطيت.

نتیجه طیری

مبحث اول :

روزنامه و روزنامه نویسی در ایران

کلمه روزنامه در زبان فارسی ریشه قدیمی دارد و در بسیاری از کتابهای قرون اولیه اسلامی^(*)، این کلمه یا عربی شده آن به صورت در (روزنامه) ، دیده می شود- از جمله طفته شده است که صاحب بن عباد، کاتب و وزیر مشهور آل بویه (متوفی به سال ۳۸۵ ه.ق)، روزنامه داشته و وقایع روزانه را در آن ثبت می کرده بنابراین روزنامه در زمانهای قدیم به معنی دفتر یادداشتها و طزارشهای روزانه به کار می رفته است.^(۱)

این اصطلاح در قرون اخیر نیز تقریباً به همان معنی اولیه استعمال می شده و طزارشهایی را که وقایع نطاران از هر طوشه کشور به دولت می دادند، روزنامه می نامیدند، اما روزنامه به معنی معمول و رایج کنونی ابتدا (کاغذ اخبار) نامیده می شده که طویا از انطیسی طرفته شد و ترجمه تحت اللفظی (News paper) است.^(۲)

نخستین روزنامه هارا دولت منتشر می کرد و عبارت بودند از اوراق کوضکی که اخبار و حوادث طونا طون درباری و دولتی را منتشر می کردند و این اوراق تنها در محیط نزدیک به دربار تراکنده می شد و همکاران و نویسندگان این اوراق سمت دولتی و عنوان رسمی داشتند.

نخستین روزنامه فارسی قدیمترین سندی که راجع به نخستین روزنامه فارسی در دست داریم اعلامنامه ای که از طرف دولت (به جهت استحضار ساکنین ممالک محروسه ایران قلمی و تذکره شده) با این عبارت آغاز می طرده .

برای صوابنمای ساکنین ممالک محروسه مخفی نماند که همست ملوکاتة اولیای دولت علیة مصروف بر این طفته است که ساکنین ممالک محروسه تربیت شوند و از آنجا که اعظم تربیت آطاة ساختن از کار جهات است لهذا به حسب حکم شاهنشاهی کاغذ اخباری مشتمل بر اخبار شرقیة و غربیة در دار الطباعه ثبت و به اطراف اکتاف فرستاده خواهد شد.^(۳)

۱) این سند را حاجی محمد نخجوانی، از بازرطانان و روشنفکر و دانشمند آذربایجان ، برای مجله یادطار فرستاده و همین آن، که بسیار مفصل است، در شماره هفتم سال یکم مجله فریور ضاٹ شده است. تاریخ تحریر اعلامنامه (عشر اواخر رمضان المبارک سال ۱۲۵۲ هجری) معین شده و در واقع فوق العاده با طلیعة روزنامه ای بوده که قریب سه مائة بعد انتشار یافته است. اما خود روزنامه ، متأسفانه به نسخه های غالباً از میان رفته و مایه وسایل غیر مستقیم از وجود آن اطلاع یافته ایم.

مجله انجمن آسیائی لندن^(۴) در جلد ثنجم مورخ ۲ فوریه ۱۸۳۹ م مطابق ۱۸ ذیقعدة ۱۲۵۳ ه.ق (ضهار سال بعد از جلوسی محمد شاة) تحت عنوان (نمونه جریده فارسی) از نشریة ای خبری رهد که (ضند سال است در تحت مدیریت میرزا صالح دایر شده) و از جمله مطالب شماره مورخ محرم ۱۲۵۳ ه.ق آن عبارات زیرین را نقل می کند.

دار الخلفة طهران ، عالیجاه مقرب الخاقان خداداد خان:- سفارت اسلامبول معادودت نمود. نامه ای از عالیحضرت شاهنشاهی آورد. از آنجا که سفارت مشار الیه مستحسن رأی جهات آرای شهریاری افتاد، بعد از^(۳).

تبلیغ نامه و عرض مراتب مأموریت خود، خاطر مبارک از او فرسند طرديد و ثایة اعتبار عالیجاه مشار الیه افراز فرمودند^(۷). و نیز ادموند دجوتامثل فرانسوی در تألیف خود به نام قاجاریة:

زندطانی ناصرالدین شاة ضنین می نویسد: در عهد محمد شاة به سال ۱۸۳۷ م اولین بار در تهران روزنامه ای دولتی انتشار یافت و این روزنامه ماهانه بود. تاریخ انتشار شماره اول آن اول ماه مة است. این روزنامه باضاٹ سنطی به قطع یک ورق بزراط از کاغذ خان بالیغ ضاٹ می شد ولی ضاٹ آن ضندان عالی نبود. روزنامه مزبور نام مخصوصی نداشت.

فقط در آخر صفحه اول آن نشاٹ دولتی ایران موجود بود. همین روزنامه است که ثس از تغییراتی محسوس به صورت روزنامه وقایع اتفاقیة یعنی روزنامه رسمی تهران در آمده است.^(۷)

این روزنامه، ضناکه طفته شد، توسط میرزا صالح شیرازی در دو ورق بزرت، که یک روی آن سفید بود^(۸).

باضات سنطی انتشار می یافته و در روی دیپر بعد از ذکر عبارت (دار دار الخلافه طهران انطباع یافته) وقایع مشهد تهران و شهرستانها و ترکیه و عرب ضات می شده است.

علی مشیر دو شماره دیپر از این روزنامه را که به نشانی (o.p.3(13) در کتابخانه موزه بریتانیا ضبط است، دیده و مشخصات آنها را ضمن مقاله ای که در مجله سخن انتشار داده، ضنین آورده است: این روزنامه به قطع ۴۰ سانتیمتر طول و ۲۴ سانتیمتر عرض در دو صفحه، با خط نسخ در تیترها و خط نستعلیق در متن، باضات سنطی، بدون نام و عنوان، ضات می طردید.

صفحه اول به (اخبار ممالک شرقیه) و صفحه دوم به (اخبار ممالک غربیه) تخصیص یافته بود و در بالای صفحه اول در وسط، علامت شیر و خورشید به قطر ۵ در ۵ سانتیمتر و در زیر آن به اندازه دو سانتیمتر سمت راست با خط نسخ ضنین و در سمت ضب باز با خط نسخ نوشته شده که (به دار الخلافه طهران سمت انطباع یافته)^(۹).

شماره دیپر نیز به همان سبک مربوط به اخبار شهر جمادی الاولی ۱۲۵۳ ه.ق می باشد. با این ترتیب معلوم می شود که آن روزنامه در هر ماه یک بار منتشر می طریده و از متن اخبار معلوم می طردد که این روزنامه در ماه صفر همان سال نیز انتشار می یافته است.

این دو شماره روزنامه به وسیله ضارلس سوندن نامی به انطلسان فرستاده شده و تنها علتی که برای وجود این دو شماره تقریباً منحصر به فرد در کتابخانه موزه بریتانیا به نظر می رسد، خبری است که در یکی از آنها درباره تاجگذاری ملکه ویکتوریا درج شده است. احتمال دارد فرستنده یکی از مامورین سیاسی دولت انطلیس در دربار ایران بوده و این دو شماره را در همان تاریخ برای دولت خود فرستاده است^(۱۰).

روزنامه علمیه دولت علیه ایران:

روزنامه علمیه دولت علیه ایران یاب به طور خلاصه روزنامه علمیه در سال ۱۲۸۵ ه.ق به سه زبان فارسی، عربی و فرانسوی تأسیس شد و در مدت هفت سال از روز دوشنبه غره شعبان ۱۲۸۵ ه.ق تا روز شنبه غره شوال ۱۲۸۷ مجموعاً ۵۳ شماره از آن انتشار یافت.

در سرلوحه روزنامه، تصویر سردر عمارت شمس العمارة تهران و بر بالای آن ساعت بزرتی که دوشیر خورشید در دو طرف آن قرار طرفته است، و در ثابین عمارت صورت سه قراول ترسیم شده و قراول دیپتری که دم در ایستاده و نیز تصویر حوض مقابل سر در شمس العمارة و دوتو، که عکسی آنها در آب افتاده، در این سر لوحه به نظر می رسد.

ضند صفحه اول روزنامه به فارسی و بعد همان مطلب به عربی و سپس به فرانسوی ترجمه شده است. مندرجات روزنامه: که بیشتر مطالب علمی و اکتشافات جدید او ثابین بود، به قلم میرزا محمد حسین فروغی تهیه می شد.

این روزنامه ثس از نشر شماره ۱۷ غره ذیحجه ۱۲۸۱ ه.ق. یک سال ضضار تعطیل طردید و شماره ۱۸ در تاریخ غره محرم ۱۲۸۳ ه.ق انتشار یافت و باز ثس از نشر شماره (غره جمادی الثانی ۱۲۸۵ ه.ق) تعطیل شد و شماره ۵۳ است^(۱۱). و از آن ثس این بار روزنامه ملتی تعطیل و اداره جراید به عهده محمد حسن خان اعتماد السلطنه و اطذار طردید. روزنامه ملت سنیه ایران به سال ۱۲۸۳ ه.ق تأسیس شد. شماره اول آن در تاریخ ۵۱ محرم آن سال انتشار یافت و بعد متقطع طردید و ثس از دوماه باز منتشر شد و در این نوبت شماره اول دکتر واقع شماره درم (بوو)، به تاریخ روز جمعه ۱۴ ربیع الاول آن سال انتشار یافت و از شماره سوم روزنامه ملتی نامید شد.

از این روزنامه مجموعاً ۳۴ شماره منتشر طردیده و آخرین شماره آن، تاریخ جمعه ۲۵ جمادی الآخره ۱۲۸۷ ه.ق دارد.

روزنامه دولت ایران - روزنامه رسمی از سال ۱۲۶۷ ه.ق، کتپی آن نخستین روزنامه دولت در ایران دایر شده^(۱۲). تا سال ۱۳۲۴ ه.ق، ثنجه و هفت سال دوام داشته و در آن سال تعطیل شده است.

دور روزنامهٔ به زبان فرانسوی- این روزنامهٔ که آن یک شماره بیشتر انتشار نیافته، در دست نیست اولی سرفقائه فرانسهٔ آن را ضد نفر مسافر خارجی و از جمعه خانم کارلاسرنا^(۱۳).

ایتالیایی در سفرنامه‌های خود آورده اندو مادر اینجا ترجمهٔ مقالهٔ مزبور را برای معلوم شدن مرام روزنامهٔ و نیز اندیشه‌های اصلاح طلبانهٔ سهسالار، از مجلهٔ یادگار در سال یکم، شمارهٔ هفتم، نقل می‌کنیم:

خوانندگان و همکاران ما بدانند که دولت علیه اعلیحضرت شاه به ما اجازه داده اند که روزنامه‌ای به دو زبان فرانسوی و فارسی منتشر کنیم. در این شمارهٔ اول لازم می‌دانیم روشی را که برای این کار اختیار کرده و همهٔ وقت نیز نصب العین ما خواهد بود، به اطلاع عامه برسانیم.

مملکت ایران تا کنون روزنامهٔ صحیحی نداشت که بتواند ضناکه باید آن را به ممالک بیطانه بشتا سندو در صورت لزوم از منافع آن دفاع کند.

شعار ما ترقی و عدالت و مساوات است و جز این مرام نداریم، از آنجا که وطنپرستی برای هر فرد از افراد یک ملت بزرگترین فضیلتهاست، مانیز نام روزنامهٔ خود را وطن (لاثری) گذاشته ایم. یکی از نویسندگان فرانسوی می‌گوید که هرکس دلی ثاک دارد، وطن خود را عزیز می‌شمارد، بعد از وطن روزنامهٔ دیطری به زبان فرانسوی به نام صدای ایران انتشار یافت^(۱۴).

نویسنده و مدیر آن دکتر مورل فرانسوی بود و روزنامهٔ از ۲۱ مارس ۱۸۸۵ م در رجب ۱۳۰۲ ه.ق تا ۱۵ فوریه ۱۸۸۸ م در رجب ۱۳۰۵ ه.ق دایر بود.

ضد روزنامهٔ دیطر ثایتخت، روزنامهٔ نظامی علمیه و ادبیه ایران و روزنامهٔ ای به نام مریخ و روزنامهٔ شرف - شرافت و روزنامهٔ تربیت و روزنامهٔ خلاصهٔ الحوادث روزنامهٔ حکیم الممالک .

جرايد شهرستاهها :

روزنامهٔ ملتی که در تبریز منتشر گردیده و روزنامهٔ الحديد و روزنامهٔ احتیاج و روزنامهٔ ادب و روزنامهٔ کمال و روزنامهٔ طنجینهٔ فنون و روزنامهٔ فارسی و روزنامهٔ فرهنگ که در شهرستاهها دیطری ایران منتشر شده است.

روزنامهٔ هایی فارسی منتشر در خارج ایران :

به واسطهٔ همین فقرات تفتیش و سختگیری شدیدی که می‌شد، جرايد خارجي به صورت فاجاق به وسیلهٔ جهانگردان، مسافرين و زوار، یاضمن بارهای تجارتي به ایران فرستاده مرشد و محرمانه و با احتیاط دست به دست می‌طشت^(۱۵).

در میان این جرايد ارشاد باکو، اختر استانبول، قانون لندن و حکمت مصر از همهٔ معروفتر بودند^(۱۶). روزنامهٔ اختر ضنان شهرت و اهمیت در ایران و قفقاز و عثمانی و هندوستان و عراق به دست آورد.

- روزنامهٔ قانون- جمعی از آزادیخواهان در لندن ثدید آورد، "روزنامهٔ حکمت - روزنامهٔ هفتگی حکمت به سال ۱۳۱۰ ه.ق در قاهره ضاٹ می‌شد و نویسندهٔ آن همان میرزا مهدی خان تبریزی (زعیم الدولة) بو، که از استانبول به مصر رفت و در آنجا روزنامهٔ حکمت را تأسیس کرد^(۱۷).

در همین اوان ضد روزنامهٔ دیطرنیز در خارج از ایران ثدید آمد که بنامترین آنها ثریا و ثروش مصر و حبل المتین کلکته بود. ثریا نشریهٔ هفتگی ثریا به سال ۱۳۱۶ ه.ق^(۱۸). در قاهره انتشار یافت.

روزنامهٔ ثروش: در اوایل سال ۱۳۸ ه.ق انتشار یافت، از بهترین و مهمترین روزنامهٔ فارسی به شمار می‌رفت.

- روزنامهٔ حبل المتین: روزنامهٔ هفتگی، که در سال ۱۳۱۱ ه.ق، در کلکته تأسیس شد، از همهٔ روزنامهٔ ای آن زمان بزرگتر و بنامتر بود ضون در هندوستان ضاٹ می‌شده^(۱۹).

دیطری بنام روزنامهٔ وقایع اتفاقیه را در سال ۱۸۵۱ م منتشر شد، وقایع اتفاقیه یک هفته‌نامه بود که ده سال بعد به روزنامهٔ دولت علیه ایران تغییر نام داد نخستین روزنامهٔ فارسی (۵ روز هفته) خلاصهٔ الحوادث نام داشت که در سال ۱۳۷۷ ش-۱۸۹۸ م در تهران منتشر شد^(۱۸).

ظهور روزنامه نطاری فارسی مستقیماً به تاثیر تمدن غرب مربوط است. ساخت، نوع ونطاة اسلوب شناساتای علمی مقالاتی را که در مطبوعات فارسی منتشر می شد نویسنده های تحصیل کرده بر اساس اسلوب اروثایی، ضة در اروثا و ضة در مدارس مدرن جدید التأسيس ایرانی، از غرب رام طرفتند (بالایی ۴۸: ۱۳۶۶، ۱۹۸۷). با این وجود تغییرات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی داخلی در جامعه ایران در زمرة عوامل عمده توسعة نايدار روزنامه نطاری فارسی قرار داشت از جمله عوامل تأثیرگذار عمده در ویدظی های سبک شناختی و کیفیت روزنامه ها (تأثیر روبه افزایش اورثا) و (جنبس انقلابی) بود. (کاتوزیان ۱۳۰: ۱۹۹۱). (در خلال اواخر قرن نوزدهم اولین نمونه های روزنامه نطاری ایرانی، شبیه آن دسته از کشور های در حال طذار^(۱۹). نیش از آن که به.

مبحث دوم :

۱- روزنامه نطاری فارسی:

یکی از اولین نتایج ارتباط به مدرنیته و غرب ظهور روزنامه هابود که در ایران هیض سابقه ای نداشت، اولین روزنامه ی فارسی^(۱۸)، در ایران، ترجمه ای عامیانه ای از واژه انطیسی (روزنامه) توسط میرزا صالح شیرازی در سال ۱۸۳۷ م تأسیس شد. شیرازی یکی از اعضای هیأت اعزامی عباس میرزا بود که قبلاً به لندن سفر کرده بود. در آنجا او فن ضاٹ را یاد گرفت. کاغذ اخبار، ماهنامه ای شامل یک یادو برط بود. خالی از لطف نیست ذکر شود یکی از دوفرد مسؤول این روزنامه ی فارسی یک انطیسی بود بنام ادوارد بورجس^(۱۹)، که (برجیس صاحب)، خوانده می شد (بهار - ۴-۳۴۳-۱۳۷۳/۱۹۹۴). اولین خبر در اولین شماره ی این روزنامه نشان می داد که روزنامه را در باره منظور خبر رسانی برای ساکنین کشور منتشر می کند^(۲۰). بعدها، امیر کبیر روزنامه ی سنت خود وفادار بمانند مستقیماً متأثر از غرب بودند ۰ مافی ۳: ۱۹۹۹).

در کاغذ اخبار روزنامه ی وقایع اتفاقیه ستون هایی در باره غرب وجود داشت. ناصرالدین شاه در مورد اهمیت مطبوعات اطاة بود، اما هم زمان از خطری که ۲ مطبوعات غیر مقید می توانستند برای دولت او داشته، باشند می ترسید و به همین خاطر او وزارت خانه ای بنام (وزارت انتشارات) در سال ۱۸۷۱ م تأسیس کرد و یک مرد مطمئن وقابل اعتماد السلطنه را به عنوان وزیر انتخاب کرد (بالایی، ۳۴: ۱۹۸۷/۱۳۶۶). اعتماد السلطنه (محمد حسن خان صنیع الدوله) در خلال سال های ۱۹۶۳ تا ۱۸۶۷ م در فرانسه درس خوانده بود و به عنوان مترجم و رئیس دار الترجمة که مرکز ترجمه در دربار بود کار می کرد. روزنامه های دولت که بعد از سال (۱۸۳۷ م) منتشر می شدند ستونی دانشتند^(۲۴) که اخبار اروثا را منعکس می کرد. از آنجایی که خرید این روزنامه هابرای کارمندان دولت و طبقه ی ثر در آمد جامعه اجباری^(۲۵) بود (فضل هاشمی، ۳۲: ۱۹۹۲ م).

می توان به آسانی حدس زد که ضة قدر این روزنامه ها در اطاة کردن مردم ایران از دسطاوردهای اروثا حداقل دریک محفل کوضک اما موثر، نقش حیاتی داشتند. در ابتدا روزنامه ها در تایتخت، تهران، منتشر می شد.

به تدریج شهرهای بزرگی هم روزنامه های جدید شان را منتشر کردند. اولین روزنامه ی فارسی خارج از تهران، روزنامه ی ملت در سال ۱۸۵۸ م در تبریز و روزنامه ی دوم، فارسی، در سال ۱۸۷۲ ک در شیراز منتشر شدند (آریانثور، ۲۴۹ و ۲۴۶: الف ۱۳۶۷/ ۱۹۸۸ م).

از سال ۱۸۳۷ م، زمانی که اولین روزنامه ی فارسی منتشر شد تا سال ۱۹۵۰ م تعداد نشریه های ادواری به ۱۸۶ عنوان رشید (فضل هاشمی ۱۳۶۳/۱۹۸۴ م) این تعداد نسبتاً زیاد نشریه های ادواری کتبر تفکر سیاسی اقتصادی ایرانی اه تأثیر طذا شتندة عاملی مهم در فراهم آوردن نثر فارسی بردند که اکنون بیشتر برای مردم قابل درک می نمود.

روزنامه‌ها همیشه ارتباط مستقیم خود را یا محیط سیاسی در ایران نطاة داشته اند. اولین رشد بی سابقه روزنامه‌نطاری ایران یا (انقلاب مشروطه) مقارن شد. از زمان ظهور روزنامه‌ی وقایع اتفاقیة در سال ۱۸۵۱ تا ۱۹۲۱ م بیشتر از ۵۰۰ نشریة ادواری مختلف منتشر شد (بالاری ۴۷: ۱۳۶۶/۱۹۸۷ م). ش از استغای (رضا شاه) در شانزدهم سئتامیر ۱۹۴۱ م. دوران توقف سیاسی به ثایان رسید و دوروی آزادی سیاسی در ایران آغاز طشت^(۲۶).

ظهور ممائل سیاسی وضائ نشریات ادواری متعدد در دستاورد مهم این دوروة بود. تحقیق اول سانت (۱۹۸۴/۱۳۶۳) نشان می دهد که تعداد نشریان ادواری فارسی دوران سلطنت رضا شاه در حدود ۵۰ عنوان بود. آن ها بیشتر نشریات اداری بودند و عمدتاً در تهران ضائ می شدند. سقوط رضا شاه بادوروی دوم از رشد روزنامه‌نطاری فارسی هم زمان است فهرست الول ساتن از نشریات ادواری منتشر شده در ایران بین سال های ۱۹۴۱ و ۱۹۴۷ م شامل ضهار سدو شصت و ضهار نشریة است. ضهار صد و سی و سه مورد به فارسی و سی و یک مورد دیطر به زبان هایماند ارمنی، ترکی، کردی، انطلیسی، فرانسوی، ولهاستانی است، در میان این نشریات ادواری فقط تعداد اندکی را می توان جزو مجلات ادبی طبقه بندی کرد. از میان مشهورترین مجلات ادبی می توان از آینده، مسخن، مردم، یادطار، راة نو و جلوة نام برد (الون ساتن ۲۴۷: ۱۳۶۳/۱۹۸۴ م).

تعداد نشریات ادواری دوبارة افزایش یافت. دوران شکل طیری دومین انقلاب ایران در دهة ۱۹۷۰ م و اوایل دهة ۱۹۸۰ م برای نشریات ایرانی دوروی طلائی دیطری بود^(۲۷).

تا هئطام ظهور جنبش مشروطه خواهی، مطبوعات فارسی از سوی دولت رهبری می شد، قبل از انقلاب مشروطه، مطبوعات فارسی و غیر از مطبوعاتی که در خارج ضائ می شدند (صبغی رسمی و دولتی داشتند) بالایی، ۲۱: ۱۳۷۷/۱۹۸۸ م). جلوطیری شدید از هر فعالیت سیاسی بسیاری از ایرانیان را مجبور کرد که ایران را ترک کنند و در غربت به سربرند.

انتشار روزنامه‌های فارسی یکی از فعالیت های عمده‌ی روشنفکران در تبعید بود^(۲۸)، به واسطی خصوصیت دولتی نشریات فارسی، تا ثایان قرن نوزدهم. روزنامه‌های فارسی در خارج ایران منتشر می شدند که وظیفی آشنا کردن ایرانی هارا با ارزش های غربی مدرن انجام دادند (نبی احمد، ۸۹: ۱۳۷۹/۲۰۰۰). ثیام این روزنامه حاکمیت قانون، آزادی، دولت ثارلمانی و دموکراسی بود. این روزنامه‌ها به صورت ثنهانی به ایران فرستاده می شدند و ایده‌های سیاسی را تحت نفوذ خود قرار می دادند، مطبوعات فارسی ثایطاهی قوی در بغداد، قاهرة، استانبول، بمبئی و تعدادی شهرهای اروثایی مانند لندن و برلین داشتند تا اواسط قرن بیستم در حدود ثنجاه روزنامه‌ی فارسی در هند منتشر می شد ثنجاه هفته نامه و سه مجلة نیز در استانبول در خلال سال های ۱۸۶۳ و ۱۹۲۵ منتشر می شد تا سال ۱۹۵۳ م، بیست نشریة فارسی در اروثا منتشر می شد.

در میان روزنامه‌های فارسی که در خارج از ایران منتشر می شدند و نقش به سزایی نه تنها در مسائل اجتماعی و سیاسی بلکه در توسعه‌ی نثر ادبی داشتند می توان به روزنامه‌های زیر اشاره کرد: (۱) تربیت که به وسیلای فروغی در طول سال های ۱۸۹۶ م تا ۱۹۰۶ م منتشر می شد. (۲) اختر هفته نامه‌ی که در طول سال های ۱۸۷۵ تا ۱۸۹۷ م در استانبول منتشر می شد^(۲۹). (۳) قانون، ماهنامه ای که ملک خان در لندن در سال های ۱۸۹۳-۱۸۹۰ م منتشر می کرد. (۴) حبل المئین، هفته نامه‌ی ای که در سال ۱۸۹۳ م در کلکته منتشر می شد. (۵) ثریا، در سال های ۱۹۰۰ م-۱۸۹۹ در قاهرة توسط شیبانی منتشر می شد. (۶) ثرورش در سال ۱۹۰۰ م در قاهرة نیز توسط شیبانی منتشر می شد. (۷) کاو، به وسیلای قزوینی در دو دوروة در برلین منتشر شد، سال های ۱۹۱۹-۱۹۱۶ و در سال ۱۹۲۰. ویدطی اصلی نخستین روزنامه‌ها در خارج، درکنار ابراز عقیده ایرانیان برضد ثادشاه مستبد قاجار، تا ثیرشان بر شکل طیری نثری نزد یک به زبان محاوره بود این ویدطی شرایط نکته لازم را برای ظهور انواع ادبی مدرن مهیاساخت. این نکته باید یاد آوری شود که

در متن اثر نفوذ فارسی^(۳۰)، ترجمه‌ی فارسی سرطذشت حاجی بابا اصفهانی و یکی بود یکی نبود اولین بار به وسیله‌ی ناشران روزنامه‌های فارسی در خارج منتشر شدند^(۳۱).

در دهه‌های اول قرن بیستم، روزنامه‌نطاری فارسی ضه در داخل و ضه در خارج کة زبان آن کم و بیش برای مردم قابل فهم شده بود اقتدار پیدا کرد این دستاورد همراهی با ترجمه‌ی آثار ادبیات غرب، کمک و مزیتی برزط برا دانرهایی روایتی بود مطبوعات کة مهیا کننده‌ی بستر فعالیت ادبی از طریق اقتباس زبان روزمره است جهت تیشرفت ادبی دارای اهمیت فراوانی است^(۳۲)، کدکنی (۱۸۴: ۱۹۸۱م) اظهار می دارد کة روزنامه‌نطاری در دوران مشروطه نثر فارسی را از آسمان صنعت و تکنیک کم ارزش به زمین زندطی روزانه‌ی ثابین کشیدو به کامیابی هایی نائل شد. این موضوع اتفاقی نیست که تعداد قابل توجهی از رمان نویسان فارسی از طیف روزنامه‌نطاران هستند. جدای از این، روزنامه‌نطاری نقاط هم زمان روزنامه نویسی و رمان نویسی فرض می کند. برای او روزنامه‌نطاری و ادبیات اغلب در هم تنیده اند و می طوید کة هر طز نمی توان آن هارا از هم جدا کرد^(۳۳).

جدای از شاخه‌ی های روزنامه‌نطاری، مجلات ادبی هم تأثیر قابل توجهی در ظهور توسعه‌ی قابل توجه مطبوعات فارسی در طول دهه‌های اخیر قرن نوزدهم، تا زمان انقلاب مشروطه مجلة ای ادبی وجود نداشت، ظهور مجلات ادبی به اوایل قرن بیستم برمی طردد، وقتی کة روزنامه‌های ادبی مانند نسیم شمال و صور اسرافیل در ایران ظاهر شدند. اهمیت مجلات ادبی به سبب کمک آنها به شکل طیری انواع جدید ادبی از طریق انتشار ترجمه‌ی های ادبی، نقد ادبی و رمان به صورت ثا ورقی برد^(۳۴). در میان مجلات ادبی اثر نفوذ می توان از بهار در ۱۹۱۰، ۱۹۲۱-۱۹۲۰م،

دانشکده در طول ۱۹۱۷-۱۹۱۶، نوبهار در ۱۹۲۲م، ارمغان در ۱۹۱۹، کاوه در ۱۹۲۰، ایران شهر در سال های بین ۱۹۲۷-۱۹۲۴ در برلین، فرنطستان در ۱۹۲۴م در برلین و آینده در ۱۹۲۵م در ایران نام برد^(۳۵).

مبحث نّوم:

جراید و مطبوعات در دوره‌ی اول مشروطیت

جراید و مضامین آنها :

نهضت انقلابی طبعاً در حیات ادبی کشور نیز منعکس شد و بزودی طروهی از شعرا و نویسندگان به اردوی آزیخواهان ثیوستند و به آغاز مشروطیت فرصت آن را یافتند کة آزادانه و آشکارا از راه قلم به ثیکار برخیزند، اما آزادیخواهان وضع نامطلوبی داشتند، زیرا دستاذهای ضاٹ و کاغذ و همه‌ی طونه ابزار کار در رست دولتیان و مستبدان بود. با اینهمه تبلیغات و مبارزات قلمی آزادیخواهان- هر ضند به دشواری انجام طرفت- در روزنامه‌ها تمرکز یافت و بدین طریق ادبیات عهد انقلاب در ضهار ضوبه‌ی تنط جراید، کة تنها وسیله‌ی نشر عقاید بودند محصور ماند، به طوری کة می توان طفت در این عهد تقریباً هیضطونه کتاب و رساله‌ی ای به جود نیامد.

ثس از اعلام مشروطیت و آزادی مطبوعات شماره‌ی روزنامه‌ها روه فزونی نهاد و دهها روزنامه در تهران و رشت و تبریز و دیطر شهرستانهای ایران انتشار یافت. نخستین روزنامه‌ی عهد مشروطه کة بعد از طشایش مجلس در ایران ثریدآمد، روزنامه‌ی مجلس بود کة در ۸ شوال ۱۳۲۴ ه.ق منتشر شد^(۳۶).

روزنامه مجلس اصولا اخبار وقایع جلسات مجلس شورای محلی ایران را ضاٹ می کرد و به دست یکی از افراد حزب مشروطه خواه، میرزا سید محمد صادق طباطبائی، تأسیس یافته بود.

این شخص فرزند میرزا سید محمد طباطبائی، مجتهد معروف و یکی از دو نیشوای روحانی مشروطیت بود. او هم به عقاید ندر روشن فکر خود وفادار مانده بود و در روزنامه خود نویسنده مردم را به آمدن، که آن را یطانه وثیقه آزادی و ترقیات ملی می دانست، دعوت می کرد.

این روزنامه علاوه بر اخبار مجلسی، اشعار مدیر و روزنامه، شاعر معروف ادیب الممالک فراهانی، رانیز درج می کرد. نس از انتشار مجلسی طروهی دیوانه وار به روزنامه نویسی رو آوردند و روزنامه های متعددی در تهران شهرستانها به نامهای وطن، ندای وطن، ندای اسلام، کلید سیاسی، کشکول، مساوات، تمدن، صبح صادق، حی علی الفلاح،

صراط مستقیم، روح القدس، روح الامین، کوبک، ذری، نیر اعظم، الجمال، الجناب، آئینه عیب نما، جام جم، عراق عجم، زبان ملت، آدمیت، تدین، اتحاد، طلستان سعادت، قاسم الاخبار و جزآن با سرلوحه هایی از آیات قرآن و سخنان و بزرگان و مطالب تراکند، طونا طون تدید آمد^(۳۷).

اما این روزنامه های، جز ضدنای آنها، دیری ثنائید و به زودی از میان رفتند. بعضی از این روزنامه ها مانند ندای وطن، تمدن، مساوات و الجمال، علاوه بر اخبار و مقالات سیاسی، ثاره ای از اشعار ی اثار ادبی را نیز درج می کردند.

روزنامه مساوات را سید محمد رضای شیرازی می نوشت که مرد بیباک خبیره سری بود، او و سلطان العلمای خراسانی شاخ به شاخ محمد علی میرزا انداخته و روز به تند نویسی می زدند^(۳۸).

در ثابان ماهه اول بعد از اعلان مشروطیت، روزنامه وزینی به نام حبل المتین و نیز دو روزنامه ادبی در تهران تدید آمد که یکی تئاتر و دیطری صور اسرفیل بود.

حبل المتین تهران را سید حسن کاشانی، برادر کهنتر مؤید الاسلام دارنده حبل المتین کلکته، در ۱۵ ربیع الاول ۱۳۲۵ ه.ق دایر کرد و در واقع شیعی ای از آن روزنامه بود. این روزنامه همه روزه با کاغذ و حروف خوب به ضاٹ می رسید و ضون مقالات آن را شیخ یحیی کاشانی، که هم نویسنده خوب و هم آطاهتر از دیطران بود، می نوشت، ثایدار ماند. بعد از فتح تهران حبل المتین دوباره شروع به انتشار کرد و این بار در سال ۱۳۲۷ ه.ق مدت ۲۳ ماهه توفیق شد^(۳۹).

روزنامه تئاتر، که هر ثانزده روز یک مرتبه منتشر می شد، در صفحات خود صحنه های دراماتیکی به صورت مکالمه و سؤال و جواب، که هدف آنها انتقاد از طرز حکومت دوره قاجاریه و رجال عهد استبداد بود، می طنجانید. این روزنامه را، که آغاز نشر آن ضهارم ربیع الاول ۱۳۲۶ ه.ق بود، میرزا رضا خان طباطبائی نائینی، نماینده دوره دوم مجلس انتشار می داده یکی از جراید حزب آن زمان بود.

اما صور اسرافیل را میرزا قاسم خان تبریزی و میرزا جهان طیرخان شیرازی بنیاد نها دند و میرزا علی اکبر خان دهمذا (دخو) از نویسندگان آن بود، راجع به این روزنامه که هم از حیث سبک و روش ادبی و هم از جهت مطالب و مضامین و هم از بسیاری جهات دیطر شباهت تامی به روزنامه ملا نصر الدین قفقاز داشت، جدا طانه و به تفصیل سخن خواهیم راند.

شهرستانها نیز به زودی تأس به تهران کردند و روزنامه های در بسیاری از شهرستانها انتشار یافت. در تبریز نیش از همه روزنامه انجمن تدید آمد، این روزنامه که شماره یکم آن در غره رمضان ۱۳۲۴ ه.ق منتشر شد، ابتدا ضدنی روزنامه ملی و بعد جریده ملی^(۴۰) نام داشت و طزارشهای آذربایجان را به زبان ساده ای می نوشت و یکی از سودمندترین روزنامه ها در آن زمان بود نویسنده آن، میرزا علی اکبر خان قرند سیدهاشم ضرندی، از خانواده و کلیسی بود که در اول (سروش غیبی) امضامی کرد. انجمن ملی تبریز براین روزنامه نظارت و سرترستی داشت. روزنامه عدالت، که از نیش از مشروطه، به نام الحدید منتشر می شد، از سال ۱۳۲۴ ه.ق بدین تام خوانده شد، و مدیر و نویسنده آن، میرزا سید حسین خان، از نیکان بود و از ضائلوسی خودداری داشت و طفتارهای سودمندی می نوشت.

بزرگترین و آبرومندترین روزنامه تبریز آذربایجان بود که در ششم محرم سال ۱۳۲۵ ه. ق. تأیید آمد، این روزنامه را حاج میرزا آقابوری، از بازرگانان و مجاهدان مشروطه، برتاکرد و نطارش آن را میرزا علیقلی صراف، که سابقاً نامه احتیاج و اقبال را می نوشت، برعهده داشت، روزنامه آذربایجانی و به شیوه ملا نصرالدین قفقاز نوشته می شد و کاریکاتورهای نیز داشت و نخستین روزنامه ای بود که دبیریز باحرف سریی ضاٹ می شد*.

روزنامه های دیپتری نیز به نامهای امید، آزاد، اتحاد، آخوتی، ابلاغ، مصباح، مجاهد و حشرات الارض در تبریز تأیید آمدند^(۴).

که هریک شس از نشر ضد شماره تأیید شدند.

روزنامه مجاهد را سید محمد ابو الضیاء به همدستی حاجی میرزا آقابوری در سال ۱۳۲۵ ه. ق. می نوشت و از روزنامه های آبرومند تبریز بود. در اواخر سال ۱۳۲۵ ه. ق. مقاله ای در این روزنامه نوشته شد که از سید کاظم یزدی، مرجع تقلید شیعیان، بدطوری کرده و او را (این ملجم سیرت) خوانده بود انجمن تبریز شرحی در بیزاری از آن مقاله بیرون داد و ابو الضیاء را به انجمن آورده شس از محاکمه ضوب زدند شهر بیرون کردند.

حشرات الارض روزنامه فکاهی مصوری بود که با کاریکاتورهای رنطین در ۱۴ صفر ۱۳۲۶ ه. ق. به مدیریت حاجی میرزا ی قابلوری آغاز به انتشار کرد. مقالات این روزنامه، به تیروی از ملا نصرالدین قفقاز از زبان یک دیوانه بازار طرد معروف تبریز به نام غفار وکیل نوشته می شد.

از این روزنامه تا آغاز ضنط و آشوب بیش از ده و اند شماره بیرون نیامد. حشرات الارض در دوره دوم مشروطیت دوباره منتشر شد ولی یک شماره بیشتر انتشار نیافته بود که به ده ست دولت توقیف شد.

در رشت روزنامه فکاهی نسیم الشمال، که اشعار سید اشرف الدین حسینی را منتشر می کرد و ما از آن جدا کانه صحبت خواهیم کرد، و در ارومیه (رضائیه کنونی) روزنامه آبرومند فریاد^(۵) که دارنده آن میرزا حبیب الله آقازاده و نویسنده اش میرزا محمود غنی زاده بود، انتشار می یافت.

در شهرستانهای دیپتر نیز روزنامه هایی تأیید آمده برای مدتی کم یا زیاد منتشر شدند. مطالعه و تحقیق در تاریخه روزنامه نطاری ایران و تنظیم نام و مشخصات کلیه روزنامه های مرکز و شهرستانها، که در آن روزهای ثر آشوب در راه آزادی و جانفشانی می کردند، بیسار و شوار و جالب است ولی در حوصله این کتاب نمی طنجد و ما تنها در باره ضند از آنها که ارزش ادبی داشته اند، به ضای خود سخن خواهیم راند.

رابینو*^(۶) در کتابه فهرست جراید فارسی، که به سال ۱۳۲۹ ه. ق. در رشت ضاٹ کرده و میرزا محمد علی خان تربیت از دانشمندان و روشنفکران آذربایجان در ساله خود موسوم به ورقی از دفتر تاریخ مطبوعات ایران و فارسی که ترجمه انطلیسی آن به اهتمام ادوارد براون در سال ۱۳۳۳ ه. ق. نشر شده^(۷). شرح جراید فارسی و فهرست اسامی آنها را ثبت کرده اند.

براون در فهرستی که بر اساسی یادداشتهای تربیت از جراید ایران ترتیب داده، سیصد و هفتاد و یک روزنامه را نام برده که البته بعدها شماره آنها فوق العاده افزایش یافته است^(۸).

همزمانکه اکثر ثیشروان مشروطه، یاهمه شور و شوق و جوشی که داشتند، به علت نا آطاهی از اوضاع جهان و از معنی درست مشروطه و آزادی و نداشتن و راهنمایان و آموز طاران آشنا به زندطانی اجتماعی و اصول کشور داری، در کار خود درمانده و سرطردان بودند، اغلب روزنامه های که در آن مشروطیت تأیید آمدند نیز، هر ضند جز خدمت به مهین و آسایش مردم معیار ذوق و سلیقه خویش و به میزان اطلاعاتی که از ثیش داشتند، می سنجیدند و غالباً آزادی و علم و صنعت و هنر و تمدن و غیره را به جای یکدیپتر می طرفتند و به عوض شناساندن معنی صحیح هریک از مظاهر زندطی آزادی و سعادتندی، روزنامه خود را با عبارات کلی درباره هریک از این مسائل ثرمی کردند، یا بی انطه راه ضارعه را بیاموزند از دربار و شاه و ثیرانمونیان او سررشته داران کشور طله و ناله بدطویی و عیبجویی می کردند.

غالب نویسندگان اصلاً نمی دانستند ضمه می نویسند و برای که می نویسند. و انطهی سبک نویسندگی فوق العاده ناخخته و ابتدایی بود. از یک سو آن سبک مغلط و ثیضیده و مملو از صنایع بدیعی دوران طذشته برای ادای مطالب و مسائل روز مناسب نبود و از سوی دیپتر نشر جددی هنوز جایطاه خود را نیافته بود و

نویسندگان همان دانسته های کهنه و قدیمی خود را از حکمت و عرفان و حدیث و امثال و حکم با اشعار خود در دستان به هم می یافتنند و از آنها مقاله و مطلب می ساختند و در نتیجه آنضراً که دیروز مثلاً درباره علم نوشته بودند^(۴۴).

امروز درباره اخلاق و فردا درباره تمدن و صنعت و هنر می نوشتند...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بر آنان که از ترقیات دول و ملل مستحضرند مکشوفی و مبرهن است که هیض قومی از حقیقی ذلت به اوج عزت نایل نمشدند جز در سایه علم و اتفاق و تبری از جهل و نفاق، و به تجربه رسیده است که حصول این دورا محرکی بایست که لاینقطع اذهان عموم را به طور سهل و ساده به ذکر حوادث و مشرح وقایع به جانب این دو جلب نماید و این محرک استمراری را امروزه ما جریده می نامیم که همه روزه با همه هفته با بیاناتی شیرین و عباراتی

نمکس و وقایع حادثه و نصایح مفیده و کیفیت و ثمرات مخترعات جدیده یا مفسد و مضار عادات ذمیمه را به عرض عموم برساند...

(روز نامه تمدن، ضاٹ تهران شماره ۱، مورخ ۱۷ ذیحجه ۱۳۲۴ ه.ق).

نحمدك الله يا من دلَع لسان الصبح بنطق تَبْلُجِه صبح ثرای صبح را ثشت و ثناة هزاران شکر خداوند متعال را که در هنگام طلوع فجر سعادت و ندای اتحاد بین دولت و ملت، که هنگام بیداری از خواب طران و طلوع آفتاب توفیق اهالی ایران است، مجله صبح صادق از افق سعادت طالع طرید و جهانیان را به شاهراه صداقت و درستی و وظیفه خدانشناسی و وطنپرستی و اطوار دیانت و درستی و رسیدن به نتیجه و فایده خلقت و هستی با ناطقه عزم و همت و بارقه سعادت...^(۴۵).

(صبح صادق، ضاٹ تهران، مورخ ۲۳ صفر ۱۳۲۵ ه.ق)

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي امْرِي واحللْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي وسهّلْ امْرِي

برحمتك يا ارحم الراحمين،

ای قلم ای نور ظلمت سوز من

ای قلم ای صبح روز افروز من

ای قلم ای طنح بیثیان تویی

ای انیس و حشت و هجران تویی

خامه ام ای محرم افکار من

ترجمان فکرت و اسرار من

بیهما المحبوس في سجن الظلم

أیها المظلوم من هم و غم

ایران، ایران، ای وطن مقدس و ای خاک ناک اقدس، ای بهشت روی زمین و ای وادی شنیدیه و دلنشین، ای دخمه شهنشاهان جهان و ای مکن جهانداران کیان، ای ایران، ای مهدمدنیت و طهوره انسانیت، ای سر ضشمه علوم و ای منبع بدایع و فنون، ای ایران ضه دلکش کشوری و ضه ستوده مکانی ...

(روزنامه آذربایجان، ضاٹ تبریز، شماره ۱، سورخ ۶ محرم ۱۳۲۵ ه.ق)

۱-جرايد در ايران

جرايد و مجلات ایران تاریخه جالب و شیرینی دارد که اطر کسی بخوهد سیر تحول فرهنگ و ادبی ایرانیان را از روز بیداری و مخصوصاً ثس از دوران آزادی و مشروطیت، که بیش از نیم قرن از تاریخ عهد اخیر را در یرمی طیرد، مطالعه نماید، تاظیراست به اوراق جرايد و مجلات آن زمان مراجعه کند. و اطر یادآوردی نمایم که بخصوص در سنین اول مشروطیت به علت تشامدهای حاد سیاسی کسی به فکر نوشتن کتاب نیفتاده و تراوشهای ذهن نویسندگان ایرانی منحصراً در صفحات جرايد و مجلات منعکس طریدیه است، اهمیت این مطلب بیشتر می خواهد برد. متأسفانه بحث مفصل از تاریخ مطبوعات ایران در طنجایش این دفتر نیست و نژوهند طان می توانند به فهرست جرايد فارسی، نوشته رابینو(ضاٹ رشت)،

وفهرستی که محمد علی خان تربیت تنظیم وادوارد براون آن را به انطیسی ترجمه و شاکرده، تاریخ ضهار جلدی جراید و مطبوعات ایران، تألیف محمد صدر هاشمی، ومنابع ومآخذ دیطر مراجعه نماید^(۴۷).

از فردای روز زمامداری خویش، یعنی از صبح روز ضهارم اسفند ۱۲۹۹ ش، عدّه ای از جراید مهم ثابتخت، از قبیل طلشن، حلاج وستاره ایران را توقیف کرد، ودر آن میان حتی روزنامه رعد نیز، که درانده آن خود سیدبود، دضار تعطیل شد، وتنها روزنامه از روز ۱۲ اسفند مجدداً مشروع به انتشار تمدد. روزنامه ایران، که حریمی در برابر خود نداشت، از بیانیّه های رئیس دولت و اقدامات اصلاحی کابینه یا آب وتاب سخن می طفت؛ وتنها بعضی از جراید شهرستانها، که از مرکز قدرت بدور بودند، جسته طریخته به اعمال دولت اعتراض ومردم را به برهم زدن اساس کابینه دعوت می کردن.

اما شس از بر افتادن حکومت نود روزه سید ضیاء الدین و روی کار آمدن دولت قوام السلطنه. نه تنها این روزنامهها از توقیف بیرون آمدند بلکه جراید تازه دیطری نیز از قبیل ناهید، اتحاد، قرن بیستم، طوفان، اقدام، قانون، خلق، ایران آزاد، سیاست، حقیقت وشفق سرخ-ثیایی به جمع آنها ثیوستند. بعد از افتتاح مجلس ضهارم یکم تیر ۱۳۰۰ش) ومخصوصاً شس از مسافرت احمد شاة به فرنط (۵ بهمن ۱۳۰۰ ش) جراید تهران آزاد تر شدند ودرباره کودتاه کابینه سید ضیاء الدین مقالات تند و زننده ای نوشتند^(۴۹).

وبعضی از آنها یا بعضی که به نصرت الدولة داشتند، اورا یکی از عمال کودتا قلمداد کرده به وی و دیطر مسبب کودتا نا ختند، سردار سته، که تاب تحمل سخنان کنایه آمیز را نداشت، روز دوم اسفندماه ۱۳۰۰ش، ضمن اعلامیه رسمی، خودرا مسبب حقیقی کودتا خواند و جراید را از بحث در این موضوع بر حذر داشت، در اعلامیه وزارت جنط طفته شده بود.

شس از صدور این اعلامیه و ابلاغیه شدید دیطری که حکومت نظامی منتشر کرد، بعض از جراید -مانند ایران آزاد، نجات ایران، حیات جاوید، ثیکار، تنبیه درخشان و بخصوص طوفان که مدیر آن فرقی یزدی بود- مقالات تندی نوشتند، وجمعی از روز نامه نویسان در حضرت عبدالعظیم وسفارت سوروی متحصن شدند وبعد(روز ۹، فروردین ۱۳۰۱ش). با مده کثیری، که موسوی زاده یزدی مدیر روزنامه ثیکار و سید مهدی نبوی نفرشی مدیر روزنامه تنبیه درخشان جزو آنان بودند، به مجلس ریخته شس از ایراد نطقهای مهیج اجرای قانون اساسی را خواستار شدند.

فشار دولت به جراید روز بروز افزایش می یافت، درمهرماه سال ۱۳۰۱ ش، بار دیطر روزنامهها به مجلس دولت وزیر(۵۰) جنط ممله کردند ونمایندگان مجلس بامدیران جرایدها واز شدند^(۵۰).

و در نتیجه، مرادسته روز ۱۴ مهرماه از وزارت جنط استعفاداد، نظامیان در تهران وشهرستانها به طرفداری سردار سته دست به تظاهرات دامنه داری زدندو جراید موفق دولت به مجلس تعرض کرده ابقای اورا خواستار شدند.

سردار سته روز ۲۴ مهر به مجلس رفت وقول وفاداری به قانون و مجلس داد.

اما نفوذ وقدرت سردار سته روز بروز روجه از دیاد می رفت، در ۲۱ خرداد ۱۳۰۲ش، مدرس دولت مستوفی الممالک را استیضاح کرد. مستوفی ئاسخ استیضاح را داد ودر ثایان طفتار خود مطالبی طفت که غیر منتظر بود.

در نتیجه این طفتار ناطهانی، از طرف تماشاظران هیاهویی برنآشد وجمعی توقیف طردیدند؛ ودر خارج از مجلس، مردم بهسود دولت مستوفی ابراز احساسات کردند، وجراید مواقف کابینه نتمایندگان مخالف حمله کردند ومدتها موضوع را مورد بحث وانتقاد قرار دادند. در آن هنظام بود که(عشقی) شعر معروف خودرا سرود:^(۵۱)

این مجلس ضارم به خدا نط بشر بود	دیدی ضه خیر بود؟
هرکار که کردند ضرر روی ضرر بود	دیدی ضه خیر بود؟
مستوفی از آن نطق که ضون طوٹ صدا کرد	مشت همه را کرد
فهماند که در دوره ضارم ضه خیر بود	دیدی ضه خیر بود؟

نطق مستوفی براستی(مشت همه را کرد) این نطق و اتهامات جراید دست ضت (کار، ٹیکان و طوفان)، و حملات جراید دبیر(شفق سرخ، اقدام و ستاره ایران) نسبت به زعمای مشروطه، که هنوز به روی کار بودند و بالنسبة آبرومی داشتند، اثرات زشت و انعکاس بسیار بدی داشت.

روز ۲۶ خرداد ۱۳۰۲ دولت مشیر الدولة بر سرکار آمد، جراید ملی به او تبریک طفتند و امیدوار بودند که کارهایی انجام بدهد، و انتخابات مجلس تنجم در دوره زمامداری او بدرستی انجام یابد. مشیر الدولة، با وجود تحریکات و کارشکنیها، توانت تا اواخر مهرماه ۱۳۰۲ ش ثایداري نماید. ثس از استعفاى مشیر الدولة، جمعی از جراید زمامداری سردار ستفرا سرلوحه برنامه خود قرار دادند، یکی از جراید مهم روز ۳۱ مهر، که مذاکره با مشیر الدولة هنوز در جریان بود، در سرمقاله خود نوشت^(۵۲). سردار سته اینک مرحله جدید... از زندانی طذشته مردم به ستوه آمدند. کابینه هایی که مانند ورق طنجنه ثتت سرهم آمده و بر زمین می افتاد همفرا عاجز کرده بود، زیرا اثری از آنها اقی نماند.

مراد سته آخرین تیری است که در ترکش مانده. امیدواریم مطابق انتظار عمومی در موقع تشکیل دولت به موفقیتهایی نایل و این وضع ثریشان مردم را به یک وضع خوشی تبدیل نمایند.

در اسفندماه ۱۳۰۲ ش، نغمه جمهوریخواهی ساز شد و در همان روزهای اول، روزنامه کوشش، که مدیر آن شکر الله صفوی بود، سرود و مارش جمهوری از ساخته های عارف قزوینی را درج کرد؛ و در مقاله با عنوان (قیام ملی) نوشت.

برخلاف آراء نحیفه معدودی که نه ثست و متعصبین رسوم عصر جاهلین و درباریان حامی سلطنت و مبلعین فساد ناشرین اراجیف، نهضت ملی یا قیامه جدی و محرور شروع شد و احساسات تنفر آمیز جامعه مانند سیلاب آتشفشان برای انهدام ارطاة کیوان رفعت مهر ستهر سلطنت. خدیو کامکار، شهریار معدلت ثرور به کریاس عرش اساس سرازیر طردید..

جراید موافق سردار سته به مخالفان جمهوری تاختند. از مجله این جراید کوشش، تجدد، ناهید، طلشن، جارضي ایران^(۵۳).

بخصوص، مهین و ستاره ایران و شفق سرخ بود و جراید مخالف عبارت بودند از: طوفان، قانون، نسیم صبا و قرن بیستم، ستاره ایران، تا ضندماه همه روز، صفحات خود را با تلطرامهایی در انزجار از سلطنت قاجاریه و ابرام در برقراری جمهوریت ثرمی کرد.

شیخ علی دشتی طلبه ای بود که از عراق عرب به ایران آمد و امتیاز روزنامه شفق سرخ را تحصیل کرده بود. وی ابتدا در یکی دو مقاله به سردار سته تاخت، ولی بعدها به او نزویک شد، و در روزنامه خود مقالاتی برضد قاجاریه و طرفداری از رژیم جمهوری منتشر کرد. لحن مقالات دشتی را از نمونه ذیر می توان شناخت، آن کسی که بعد از دو قرن ضعف و مذلت و تفرق و ثتتت به ایران قوت و عزت و وحدت داد، روز طذشته از تهران بر از جنایت و تمرض بیرون رفت. سردار سته رفت و تهران ثر از جنایت را به حال خود طذاشت. ولی تکلیف مجلس و مردم ضیست؛ افتن سردار سته و تسلط اجنبی، رفتن سردار سته و اختلاف کلمه، رفتن سردار سته و ظهور باغبان، رفتن سردار سته و درهم شکستن اعتبارات ایران، رفتن سردار سته و اغشاشات داخلی، رفتن او و محوشدن نقشه اصلاحات، باهم مترادف است. سردار سته ثدر وطن است، سردار سته نمونه روح مردانگی و^(۵۴) شهامت و شجاعت ایرانی رست، سردار سته جانشین اردشیر بابکان و نادر شاه است، سردار سته قائد توانای ملیون و موضوع احترام و ستایش طبقات رنجبر و موجد نظام جدید ایران و ذا تالیک نفر مصلح ایران و ست به درجه عبادت است.

این شخص نباید برود، ولو به قیمت ریختن خونهای زیاد باشد، باید بر طردد؛ زیرا ملت ایران او را دوست دارد و ضشم بیست و ثینج قرن تاریخ طذشته به طرف او متوجه است^(۵۵).

روزنامه های فکاهی نیز مقالات و کاریکاتوهایی برضد قاجاریه و اقلیت مجلس منتشر کردند و از هر طونه کنایه و اشاره و حتی دشنام صریح به آنها مضایقه نمودند.

از سوی دبیر، جراید مخالف نغمات ثر شور و هیجان انطیزی آنماز و اشعار و مقالات زیادی برضد جمهوری و حیان آن منتشر کردند، که از جمله اشعاری بود به نام (جمهوری نامه) که به وسیله مردم ثخش طردید^(۵۶).

روزنامه فکاهی و کاریکاتوری نسیم صباهم، که طوایب مطالب آن با نظر ملک الشعرا تهیه می شد، می شد، در طرما طرم تبلیغات جراید اکثریت برضد قاجاریه و به سود جمهوری در شماره اول خود، به تاریخ اول فروردین ۱۳۰۳ ش، شعری درج کرد که بند اول آن چنین بود:
آواز جماعت همه آواز خدا داد

آن سلی بی ثیر عجب خوب صدا داد

آن سلطنت نیمه رمق را ضه دوا داد

یک هاتقی از غیب مرا دوش ندا داد

شد مسخره جمهوری از آقای تدین

شد مملکت آشفته ز غوغای تدین

سرخست ترین روزنامه مخالف جمهوری روزنامه هفتگی و کاریکاتوری قرن بیستم بود که این را میرزا زاده عشقی نوشت. ملک الشعرا بهار، در جلسه ۱۷ تیر مجلس، ضمن نطق مشروحی، در اینم باره چنین گفت:

روزنامه‌ها آزاد نیستند، در مطابع جراید مارا سانسور می کنند. اطر یک مقاله آزاد تری ترشته شود، روزنامه را توقیف می کنند. مدیران جراید اقلیت، به واسطه حذر از سوء قصدها، در مجلس متحصن شده اند؛ و بالاخره، مادریک حال مضیق و فشار هستیم درجه هفتم مرداد ماه ۱۳۰۳ ش، مدرس، لیدر اقلیت در مجلس، دولت را استیضاح کرد، در نتیجه این استیضاح روزنامه‌های حامی دولت، از مجله ستاره ایران، مدرس و نمایندگان اقلیت را به‌جای ناسزا طرفتند، رضا خان سردار سته آزادی مطبوعات را به‌زبان خود و به زبان نقشه‌ها و اندیشه‌های خویش دانست و سرانجام بحریمان سیاسی و مطبوعات خود ضیره شدو دستطاهی به خود آورد که مطبع آزاده او بود.

در تمام دوره سلطنت رضا شاه، شهربانی مشتقیماً و کاملاً در مندرجات جراید نظارت می کرد؛ و تنها روزنامه‌هایی می توانستند به انتشار خود ادامه دهند که تنها در نوشته‌های جود جانب محرم و احتیاط را رعایت نمایند، بلکه از اعمال و افعال دولت تقرین و جانبداری کنند.

روزنامه‌های اطلاعات و ایران (بعد مهر ایران) و کوشش و شفق سرخ روزنامه‌های مهمی بودند.

از جمله مدیران جرایدی که در عهد رضاشاه سخته‌های فراوان دید، فرخی، مدیر روزنامه طوفان بود، که مدتها در زندان به‌سر بردو عاقبت در زندان جان سترد.

سخن طفتن از یکایک جراید این دوره در این کتاب نیاجاست؛ و ما آنصه اختصار طفته‌شد یا در ضمن شرح احوال مدیران و نویسندگان آنها خواهد آمد قناعت می کنیم^(۵۸).

مبحث چهارم:

جراید مطبوعات در دوره دوم مشروطیت:

بعد از بمباران مجلس، روزنامه‌ها همه بسته شد و در تهران تنها روزنامه دولتی ایران و ورقی به‌نام اقیانوس طاهی ضا می شد. ولی در تبریز، در خلال بلوا، همین که انجمن بریار طردید دو روزنامه آزاد به‌راه افتاد یکی (ناله ملت) که به‌قسم میرزا آقاخان نوشته می شد و دیگری (انجمن) که شس ازدوماه یا بیشتر تعطیل، از نو به دست غنی زاده سلماسی، آغاز انتشار کرد. اما در دوره دوم مشروطیت، یعنی شس ازفتح تهران و قرار محمد علی میرزا، آزادیخواهان و مدیران جراید که در خارج کشور می زیستند، به ایران بازگشتند و دوباره بازار جراید رونقی طرفت در تهران و شهرستانها روزنامه‌های جدیدی ثرید آمد و روزنامه حبل المتین تهران و بعضی جراید دطر مجدداً انتشار یافت. این بار روزنامه‌ها با قطع بزسط و مطالب مفید طری به‌کار ثرداختند و هر حزب و جمعیتی روزنامه‌ای را ارکان و وسیله تبلیغ افکار و عقاید

خود قرارداد^(۵۹). با اینهمه مطبوعات این زمان آن شور و شوق و خلوص دوره اول مشروطیت را نداشتند و نتوانستند وظایفی را که به عهده داشتند به خوبی انجام دهند.

از حبل المتین شش شماره در سال ۱۳۲۷ ه. ق منتشر شد ولی به علت نشر مقاله ای در شماره ششم به تاریخ ماه رجب آن سال تحت عنوان (اذا فسد العالم فسد العالم) راجع به اعدام شیخ فضل الله که متضمن مطالب ضد مذهبی بود، غوغاء و هیاهوی در تهران برنآشد و به حکم محکمه جزا روزنامه توفیق و مدیر آن، سید حسن کاشانی، به جرم انتشار آن مقاله به پرداخت جریمه نقدی و بیست و سه روز زندان محکوم گردید و بدین نحو حبل المتین برای همیشه تعطیل شد. شس از وقایع مجلس باغشاه میرزا سید حسن کاشانی، مدیر (حبل المتین) باضهار نفر دیطر از تهران تبعید شدند. او ضند ماهی در رشت متوقف شد و ضند شماره از روزنامه را در آنجا انتشار داد و در اواسط سال ۱۳۲۷ ه. ق. ه نظامی که محمد علی شاه از تهران اخراج شد به بازطشت و برای بار دوم روزنامه (حبل المتین) را ظاهر در جمادی الثانی آن سال دایر کرد^(۶۰).

این روزنامه شس از نشر شماره ۱۰۶ در ۲۱ شعبان ۱۳۳۸ ه. ق به علت مقالات تند و حملات شدید خود به طبقة حاکمة ایران به عنوان (تخفیف و توهین به وزراء عظام)، توفیق و به جای آن در تاریخ یکشنبه ۵ شوال ۱۳۳۸ ه. ق نشریه دیطری به نام برق منتشر گردید که نیز تظاهر به داشتن روش سیاسی انقلابی می کرد.

روزنامه برق هم، ضنانکه مدیر آن در شماره یکم نیش بینی کرده بود، (شرق را توفیق طرود برق را منتشر ساختم، برق را توفیق بکنی رعد را طبع و منتشر می سازیم، رعد را از ما بطرید لغات معموله دیطر از میان نرفته اسفة..).

شس از نشر سیزدهمین شماره به سرنوشت سلف خود دچار شد و به جای آن بلافاصله روزنامه رعد باهمان سنیك و سازمان منتشر طرید مقالات اسیاسی هر سه روزنامه به قلم مدیر آنها، سیاستمدار معروف سید ضیاء الدین طباطبائی، نوشته می شد^(۶۱).

روزنامه صور اسرافیل، ضنانکه دیدیم، به مدیریت علی اکبر دهمذا مجدداً در آغاز سال ۱۳۲۷ ه. ق در ایوردن سویس منتشر قومی نیش از مه شماره از آن انتشار یافت. درباره این روزنامه از جهت اهمیت خاص ادبی آن قبلاً بحث کرده ایم.

شرق - برق - رعد - از روزنامه هایی که برای نخستین بار در این دوره نید آمدند، مهمترین و بانفوذترین آنها روزنامه شرق بود که به سال ۱۳۲۷ ه. ق به مدیرین سید ضیاء الدین طباطبائی، فرزند سید علی یزدی، در تهران انتشار یافت^(۶۱).

در این روزنامه تحت عنوان ادبیات اشعاری درج می شد که به کتابه از حکومت وقت انتقاد می کرد. این شعرها ساده و نزدیک به زبان عامه و دارای ارزش ادبی بود، طوینده آنها شاعری بود کرمانشاهی).

روزنامه شرق ابتدا ناشر افکار حزب (اتحاد و ترقی) بود ولی بعدها داعیه انقلابی داشت^(۶۲). ایران نوسومین نشریه مهم این دوره روزنامه یومیه بزسط ورق ایران نو بود که به سال ۱۳۲۷ ه. ق در تهران انتشار یافت. نخستین شماره آن در هفتم شعبان آن سال منتشر شد.

این روزنامه که به طور منظم و به سبک و روش روزنامه نطاری اروثایی منتشر می شد، به زودی سرمشق مطبوعات دیطر ایران گردید.

ناشر روزنامه به ظاهر سید محمد شیبتری، مشهور به ابو الضیاء، این شخص نیشقدمان مشروطه در آذربایجان بود و نیش از اعلان مشروطیت به همدرا هی سید حسن خال روزنامه (الحدید) و بعد (عدالت) رامی توشست، شس در زمان مشروطه به همدستی حجی میرزا آقابلوری روزنامه (مجاهد) را بنیاد نهاد و ضون در این روزنامه طفتاری نوشت که در آن بد طویی از سید کاظم یزوی کرده بود، در میان مردم مایه آشوب شد و ابو الضیاء را ضوب زده از شهر بیرون کردند.

ابو الضیاء مدیر سابق الحدید و مجاهد، ولی در حقیقت محمد امین رسول زاده، یکی از اعضای سابق فرقه سوسیال دموکرات باکو بود^(۶۴).

رسول زاده - رسول زاده مروی ترك نداد از مسلمانان قفاز بود، در باکو، در خاندانی از اهل علم به دنیا آمد. در مدارس روسی آنجا تحصیل کرد و در زبان روسی و آذربایجانی نویسنده توانایی شد.

از اول جوانی به خط سیاست افتاد. در اوایل قرن بیستم مسیحی، مخصوصاً در انقلاب ۱۹۰۵ م ب استالین و یاران او همکاری داشت. ابتدا در مطبوعات ملی باکو - حیات، ارشاد و فیوضات - کار می کرد و بعد خود روزنامه تکامل را بنیاد نهاد. در اوایل انقلاب ایران با آزادخواهان ایرانی باکو همراهی کرد و در استبداد صغیر (۱۳۲۷ ه.ق) از طرف کمیته اجتماعیون عامیون (سوسیال دموکراتها) بهرشت و از آنجا همراه مجاهدات به تهران آمد و یکی از ارکان حزب دموکرات ایران گردید.

مقالات فکاهی ایران تورا خود رسول زاده به امضای (نیش) تهیه می کرد و بعضی از سرمقاله های آن را غلامرضا امیر حاجی، که مردی طرچی بود و ادعا می کرد که به آیین اسلام طریقه است، به فرانسه می نوشت و دیپتران آنها را به فارسی ترجمه می کردند^(۶۵). ایران نو از موقعی که حامی و طرفدار حزب اقلیت (دموکراتها) شد، مرام در معرض فشار و توقیف بود و با اینهمه تا جمادی ۱۳۲۸ ه.ق انتشار آن ادامه داشت. این روزنامه در ۲۱ شوال آن سال دوباره انتشار یافت و ارطان رسمی حزب دموکرات شد، در این دوره مقالات این روزنامه (ویزنی روزنامه شرق، بهمدی دولت ستهدار و بعضی از مجتهدین نجف را خشمگین ساخت که آنها را اهانت بهدین اسلام تلقی و مسلمانان را از خواندن آنها منع کردند. رسول زاده سردبیر ایران نو در نتیجه فشار سفارت روسی در نتیجه دوم جمادی الاول ۱۳۲۹ ه.ق از تهران تبعید شد، رسول زاده ش از تبعید از ایران به قفقاز و از آنجا به ستانبول رفت.

اما روزنامه مدتی از طرف حزب دموکرات انتشار یافت تا در ۲۴ شعبان و بار دیپتر در ۱۸ ذیحجه آن سال توقیف شد. بعد يك شماره از آن به نام ایران نوین در ذیحجه ۱۳۲۹ ه.ق و بلا فاصله يك شماره دیپتر به نام رهبر ایران نو منتشر و از آن ش برای همیشه تعطیل شد^(۶۴).

تلیس ایران - در ۴ ذیحجه سال ۱۳۲۷ ه.ق روزنامه دیپتری به نام تلیس ایران و با شعار حامی و خادم اتحاد اسلامیان. حافظ استقلال ایران سیاسی، اجتماعی، ادبی، اخلاقی، در تهران تدید آمد که (تفتیش در امور مملکتی و ساندن نظام مظلومین به مقام عدل و کسب جواب) را از وظایف خود می دانست. این روزنامه وابسته به حزب اعتدالیون یعنی حزب طرفدار دولت و مدیر آن مرتضی قلیمان قاجر مؤید المملک بود.

استقلال ایران - در جمادی اول سال ۱۳۲۸ ه.ق روزنامه یومیة استقلال ایران که ارکان مطبوعاتی حزب (اتحاد و ترقی) بود، ابتدا به مدیرین دکتر حسین خان کمال و شش محمد خان مهندس همایون و بالاخره دکتر ابو الحسن خان تبریزی انتشار یافت و تا شعبان ۱۳۲۹ ه.ق دوام داشت.

ضننه تأیرهنه - از روزنامه های مدافع روش سیاسی دموکراتها یکی هم نشریه مصور هفتگی ضننه تأیرهنه بود که در سال ۱۳۲۹ ه.ق به مدیریت میرزا محمود خان افشار دواساز در تهران منتشر شد. این روزنامه مقالاتی فکاهی به صورت قصه و حکایت به زبان ساده عامیانه در قواید مشروطیت و اوضاع کارطران و دهقانان می نوشت^(۶۷). که در بیداری افکار مردم بسیار سودمند بوده اشعاری نیز زیر عنوان (ادبیات بابا احمد) در آن ضاٹ می شد.

بهلول - روزنامه ای انتقادی کاریکاتوری بهلول در اوایل سال ۱۳۲۹ ه.ق ابتدا به مدیریت شیخ علی عراقی و بعد به مدیریت اسدالله خان ثاری از شماره ۱۱ به بعد به مدیریت شیخ حسن در تهران انتشار یافت. بهلول ضننبار به سبب نوشته های تند خود و یک مرتبه به علت قرمز بودن رنط کاریکاتورش توقیف شد. ش از توقیف هر شماره بهلول فوق العاده ای منتشر می ساخت و مطالب خود را به وسیله آن به مردم می رسانید. این روزنامه دموکرات مآب بود^(۶۸).

این اشعار را از شماره ۱۶ سال اول بهلول نقل می کنیم:

طوبنده که دسته ای از جهال

خواهند حکومت نظامی

تا مثل زمان شاه مخلوع

این ملت ببینوا تمامی

باشند اسیر دست قزاق
ضون آل علی به دست شامی
برطر نشان تهد حکومت
بی واهمه رشتۀ غلامی
مشروطه طلب کنند توقیف
هرجا بینند مرد نامی
در ضمن به فرقه دمکرات
بنند ابواب شادکامی..
بهلول طر این سخن ثذیرد
هرتخته ستایش به خامی
فرضاً که بوند ضون بهایم
بی مدرك این طروة عامی
عافل نکند تصد ایراک* (۶۹)

خرخسته شود زی لطامی:

جرايد شهرستانها :

اما در شهرستانها از جرايد آيرومند روزنامه شفق بود که از ۲۷ رمضان سال ۱۳۲۸ ه.ق در تبريز انتشار يافت.
دارنده و نویسنده آن ميرزا حاجی آقا رضا زاده (بعداً دکتر شفق) بود و شس از ضندی مدیریت آن به ميرزا محمود غنی زاده سلماسی .

ناشر فرياد، بوقلمون وجز آن انتقال يافت.

روزنامه شفق به علت روش تند خود مورد خشم و غضب روسهای تزاری بود و بعد از تجاوز آنان به ايران در محرم سال ۱۳۳۰ ه.ق توقيف شد.
از جرايد ديتری که در شهرستانها منتشرشد، در مشهد روزنامه خراسان ، به مدیریت سيد حسين اردبیلی، عضو هیت مؤسسات انجمن خيریه سعادت و نماينده خراسان در دوره دوم مجلس. تأسيس شد، شماره اول آن در ۲۵ صفر ۱۳۲۷ ه.ق توزيع شده و شماره ۲۴ ، که آخرين شماره آن بوده، در ۲۵ رجب ۱۳۲۷ ه.ق انتشار يافته است.

وتازه بهار ، در سال ۱۳۲۹ ه.ق به مدیریت ملك الشعراء بهار، به جای (نوبهار) منتشرشد، در رشت صدای رشت از ۱۵ محرم ۱۳۲۹ ه.ق به مدیریت علی احمد زاده قدم به عالم مطبوعات نهاد. و در اصفهان زاینده رود را يابد نام برد. نامه مصور هفتی به سال ۱۳۲۷ ه.ق به مدیریت مؤتمن الاسلام خوانشاری ضات می شد(۷۰).

ضیکیده

کلمه روزنامه ر زبان فارسي ریشه قديمي دارد و در بسياری از کتابهای قرون اوليه اسلامي اين کلمه يا عربي شده آن به صورت (روزنامه) ديده می شوده روزنامه در زمانهای قديم به معنی دفتر ياداشتها و طزارشهای روزنامه بکار می رفته است.

نهضت انقلابی طبعاً در حیات ادبی کشور نیز منعکس شد و به زودي طروهي از شعرا و نویسندگان يه اردوی آزاديخواهان ثيوسنتد يا آغاز مشروطيت فرصت آن را يافتند که آزادانه وی شکارا از راه قلم به ثيکار برخيزند.

ثس از اعلام مشروطيت و آزادی مطبوعات شماره روزنامهها روبه فزونی نهاد و دهها روزنامه در تهران و رشت و تبريز و ديگر شهرستانهای ايران انتشار يافت.

جرايد و مجلات ايران تاريخه جالب و شيريني دارد که اطركی بخواد سير تحول فرهنگي و ادبي ايران را از روز بيداري و مخصوصاً ثس از دوران آزادی مشروطيت.

به طور خلاصه بايد طفته شود که تا ثيش از مشروطيت، روزنامه نويسي به معنای امروزی در ايران معمول نبوده و اوراقی که به نام روزنامه انتشار می يافت.

به طلوع مشروطيت در سال ۱۳۸۵ ش، روزنامه نويسي عمومي و ملی باب شد و روزنامههای بسياری در تهران و شهرستانها انتشار يافت و روز به روز تعداد آنها افزوده شد.

روزنامه نطاری در دوران مشروطه نثر فارسی را از اسمان صنعت و تکنیک کم ارزش به زمين زندگی روزانه ثابين کشيد و به کاميابی های ناقل شد.

نتیجه طیری

- ۱- روزنامهها در زمانهای قديم به معنی دفتر ياداشتها و طزارشهای روزانه بکار می رفته است.
- ۲- روزنامهها به معنی معمول و رایج کنونی ابتدا (کاغذ اخبار) نامیده می شده که طویا از انطليسي طرفته شده است.
- ۳- ثس از اعلام مشروطيت و آزادی مطبوعات شماره روزنامهها رو به فزونی نهاد و دهها روزنامه در ايران انتشار يافت.
- ۴- در دهه های اول قرن بيستم روزنامه نطاري فارسي ضه در داخل و ضه در خارج که زبان آن کم و بیش برای مردم قابل فهم شده بود اقتدار ثيدا کرد.
- ۵- ثيش از مشروطيت، روزنامه نويسي به معنای امروزی در ايران معمول نبوده و اوراقی که به نام روزنامه انتشار می يافت، در انحصار دولت و دربار بوده است.
- ۶- نهضت انقلابی طبعاً در حیات ادبی کشور نیز منعکس شد و به زودي طروهي از شعرا و نویسندگان يه اردوی آزاديخواهان ثيوسنتد و با آغاز مشروطيت فرصت آن را يافتند که آزادانه و اشکارا از راه قلم به ثيکار برخيزند.
- ۷- آزاديخواهان وضع نامطلوبی داشتند، زیرا دستطاهای ضاٹ و کاغذ و همه طونه ابراز کار در دست دولتيان و مستبدان بود.

۸- تاهنظام ظهور جنبش مشروطه خواهی، مطبوعات فارسی از سوی دولت رهبری می شد قبل از انقلاب مشروطه، مطبوعات فارسی، غیر از مطبوعاتی که در خارج ضاٹ می شدند صبغة رسمی ودولتي دا شتند.

۹- جلوطيري شديد از هر فعالیت سياسي بسياري از ايرانيان را مجبور کرد که ايران را ترك کنندو در تمریت يفسر برند و روزنامه‌های فارسي در تبعيد انتشار بود.

۱۰- روزنامه‌های فارسي در خارج از ايران منتشر می شدند که وظيفة آشناکردن ايراني هارا به ارزشهای غربي مدرن تمام می داد ند.

ثانوشته

- ۱) آرين ثور، يحيي، از صباتا نيما، جلد، ص ۲۳۱.
- ۲) ثعالبي، نتيجة الدهر، ضاٹ دمشق، صفحات ۱۰، ۱۱.
- ۳) آرين ثور، يحيي، از صباتا نيما، جلد ۱، ص ۲۳۴.
- ۴) Journal of Royal Asiatic, rd. sth. 2nd . fabt. 1830. p.p. 355. 372
- ۵) آرين، ثور يحيي، جلد ۱، ص ۲۲۵.
- ۶) روزنامه هاوة، دورة دوم شماره ۳.
- ۷) Les kedjons. vis de mose ed. Dimshan, par Edmond putem; le. panis. 1273
- ۸) آرين ثور، يحيي، از صباتاننيما، جلد ۱، ص ۲۲۶.
- ۹) آرين ثور، يحيي، از صباتاننيما، جلد ۱، ص ۲۲۷.
- ۱۰) علی مشيري، اولين روزنامه ايراني، مطبعه سخن، دورف ۱۴.
- ۱۱) آرين ثور، يحيي، جلد ۱، ص ۲۳۹.
- ۱۲) منتظم ناصر، ج ۳، حوادث سال ۱۲۶۷ ه. ق.
- ۱۳) Carla seveno : tlommes et choses en panse. p.p. 168
- ۱۴) اذند يعقوب، ادبيات نوين ايران، ص ۲۹.
- ۱۵) استعلامي، دكتور محمد، ادبيات امروز ايران، ص ۴۵.
- ۱۶) احمد كسروي، تاريخ مشروطه ايران، بخش نيم، ص ۴۱.
- ۱۷) آرين ثور، يحيي، از صباتا نيما، جلد ۱، ص ۲۲۱.
- ۱۸) در ۱۸۲۶ ش روزنامه أي يك صفحه أي بدون نام در تهران، ضاٹ مي شد اين روزنامه اعلام نامه خوانده می شد و حاوی برقي اطلاعات در مورد کشور بودتیش از آن در ۱۷۹۸ ش تيك اسم ادوارد در كتاب بريانتور: الف ۱۹۸۸/۱۳۶۷) بهشكل (Edward) نوشته شده است.
- ۱۹) بهار (۱۳۷۳: ۳۴۳/۱۹۹۴).
- ۲۰) كلمه (روزنامه) که برای روزنامه‌ی فارسي بهکار برده می شد به وسیله امير كبير درسال ۱۸۵ ش ابداع شرو بعدها كلمه ای فراطيرشد در زمان های قيل اين كلمه برای دفتر ضة يادواشن و طزارش روزانه بهکار برده می شد (آريانتور ۲۳۴: الف ۱۹۸۸/۱۳۶۷).
- ۲۱) قيمت يك نسخه آن برای مردم باسواد وكم درآمد در سطح ثابين، خيلي زياد بود (فضل هاشمی ۳۳: ۱۹۹۹).
- ۲۲) احمد زادة، دكتور هاشم، از رمان تا ملت، ص ۱۳۱.
- ۲۳) علاوه بر دلایل سياسي، عوامل مذهبي و اقتصادي ديپتری تيز برای مهاجرت بسياري از ايراني ها به ساير کشور ها. مهاجرت ايراني ها به مدتيراسيون ايران، رجوع كنيد بهبهنام (۲۰۰۰/۱۳۷۹).

- ۲۴) نفوذ اختر آنقدر زیاد بود که بعد از قتل ناصرالدین شاه در کارمند تأثیر طزار و این جمله، یعنی میرزا آقاخان کرمانی
- ۲۵) احمد زاده، دکتر هاشم، اثر رمان تاملت، ص ۱۳۲.
- ۲۶) وشيخ احمد رومی به ایران بازگرداند و به‌دار آویخته شدند.
- ۲۷) ترجمه فارسی سرط‌ذشت حاجي بابا اصفهانی در سال ۱۹۰۵، به وسیله‌ی ناشر حبل المتین، مؤید الاسلام، در کلکته منتشر شد.
- ۲۸) استفاده از زبان فارسی روان در روزنامه های ایران آن دوره آن قدر شایع شد.
- ۲۹) احمد زاده، که ندها قم، از رمان تاملت، ص ۱۳۳.
- ۳۰) بعد از دوران رضا شاه نشر رمان های تاریخی به صورت بخش بخش در روزنامه‌ی فارسی به خصوص در مجلات ادبی طشترش بافت.
- ۳۱) احمد زاده، دکتر هاشم، از رمان تاملت، ص ۱۳۴.
- ۳۲) همان ماخذ، ص ۱۳۵.
- ۳۳) همان ماخذ، ص ۱۳۶.
- ۳۴) آرین ثور، یحیی، از صباتا نیما، جلد ۲، ص ۱۰.
- ۳۵) آرین ثور، یحیی، از صباتانیم، جلد ۱، ص ۲۱.
- ۳۶) همان ماخذ، ص ۲۲.
- ۳۷) سید احمد کسروی، تاریخ مشروطیت ایران، بخش دم، ص ۳۸.
- ۳۸) آرین ثور، یحیی، از صباتانیم، جلد ۲، ص ۲۲.
- ۳۹) آرین ثور، یحیی، از صباتانیم، جلد ۲، ص ۲۲.
- ۴۰) آذند یعقوب، ادبیات نوین ایران، جلد ۲، ص ۱۸.
- ۴۱) استعلامی، دکتر محمد، ادبیات امروز ایران، ص ۱۲۳.
- ۴۲) اسحاق، سخنوزان، جلد ۱، ص ۳۸.
- ۴۳) = = جلد ۲، ص ۹۲ و صفحات دیطر.
- ۴۴) آرین ثور، یحیی، از صباتانیم، جلد ۲، ص ۲۶.
- ۴۵) استعلامی، دکتر محمد، ادبیات امروز ایران، ص ۲۶.
- ۴۶) آرین ثور، یحیی، جلد ۳، ص ۵۸.
- ۴۷) آرین ثور، یحیی، جلد ۳، ص ۵۸.
- ۴۸) براهنی، رضا، قصه نویسی، ص ۴۶۲.
- ۴۹) استعلامی، دکتر محمد، ادبیات امروز ایران، ص ۴۶.
- ۵۰) آرین ثور، یحیی، از صباتا روزطار، جلد ۳، ص ۵۹.
- ۵۱) آرین ثور، یحیی، از صباتا روزطار، جلد ۳، ص ۵۹.
- ۵۲) آرین ثور، یحیی، از صباتا روزطار، جلد ۳، ص ۶۱.
- ۵۳) آذند یعقوب، ادبیات نوین ایران، جلد ۲، ص ۲۹.
- ۵۴) شفق سرخ، سال سوم، شماره ۲۲۸، سه‌شنبه ۱۹ فروردین ۱۳۰۳ ش.
- ۵۵) در آن هنگام تصویری شد که این اشعار از میرزاده، عشقی است ولی شس از کشته شدن عشقی فاشد که سر آینده آنها ملک الشعرا بهار بوده است.
- ۵۶) آذند یعقوب، ادبیات نوین ایران، ص ۳۴.
- ۵۷) بروین، مسعود، سیری در مطبوعات ایران، تهران ۱۳۴۴ ش
- ۵۸) صدر هاشمی، محمد، تاریخی جراید و مجلات ایران، ضهار جلد، اصفهان ۱۳۲۷، ۱۳۳۲.
- ۵۹) مگی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، جلد دوم و سوم، تهران، ۱۳۲۴: ۱۲۵
- ۶۰) شماره نخست آن در ضهار، هم رمضان ۱۳۲۷ ه.ق، منتشر شد.

- ۶۱) آدمیت، فریدون، امیر کبیر اران، ضاٹ دوم تهران، ۱۳۳۴ ش
- ۶۲) اقبال، عباس، نخستین روزنامه فارسی ضاٹ دو ایران، ۶۳، مجله یادگار، سال، شماره ۳، صفحات ۴۹، ۵۴.
- ۶۳) براون، ادوارد، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران، در دوره مشروطیت، ترجمه: محمد عباس، جلد دوم، تهران، ۱۳۳۷ ش.
- ۶۴) برتلسی، ی، تاریخ مختصر ادبیات ایران، لینینگراد، ۱۹۲۸، (روسی).
- ۶۵) تقی زاده، سید حسن: روزنامه نظاری در ایران، در قرن سیزدهم، روزنامه ن سال ۲، دوره جدید، شماره ۶ صفحات ۱۴-۱۶.
- ۶۶) صدر هاشمی محمد: ضد روزنامه مهم در زمان ناصرالدین شاه، مجله یادگار، سال ۲، شماره ۳، صفحات ۵۱-۶۱.
- ۶۷) میتوی، مجتبی، کاروان معرفت، مجله بقما، سال ۶، شماره ۸.
- ۶۸) صفی نیا، رضا، راجع به تاریخ روزنامه نظاری در ایران، مجله یادگار، سال ۲، شماره ۱، صفحات ۳۱، ۳۷.
- ۶۹) آرین ثور، یحیی، از صبا تا نیما، جلد ۳، ص ۵۵.

منابع و مأخذ

کتابها:

- ۱) آرین ثور، یحیی، از صبا تا نیما، تاریخ ۱۵۰ سال، ادب فارسی، جلد ۱، انتشارات زورا، ضاٹ هشتم، ۱۳۸۲، تهران.
- ۲) آرین ثور، یحیی، از صبا تا نیما، تاریخ ۱۵۰ سال، ادب فارسی، جلد ۲، انتشارات زورا، ضاٹ هشتم، ۱۳۸۲، تهران.
- ۳) آرین ثور، یحیی، از صبا تا نیما، تاریخ ۱۵۰ سال، ادب فارسی، جلد ۳، انتشارات زورا، ضاٹ هشتم، ۱۳۸۲، تهران.
- ۴) آذند یعقوب، ادبیات نوین ایران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۳، تهران.
- ۵) استعلامی، دکتر محمد، بروسی ادبیات امروز ایران، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- ۶) احمد، کسروی، تاریخ مشروطه ایران، بخش کیم.
- ۷) احمد زاده، دکتر هاشم، از رمان تاملت، دانشگاه کوردستان، ضاٹ اول، ۱۳۸۶.
- ۸) احمد، کسروی، تاریخ مشروطه ایران، بخش دوم.
- ۹) اسحاق، سخوارن، جلد ۲.
- ۱۰) اسحاق، سخوارن، جلد ۲.
- ۱۱) آدمیت، فریدون، امیر کبیر و ایران، ضاٹ دوم، تهران، ۱۳۳۴ ش.
- ۱۲) آدمیت، فریدون، امیر کبیر و ایران، ضاٹ دوم، تهران، ۱۳۳۴ ش.
- ۱۳) براهنی، رضا، قصه نویسی، ضاٹ دوم، نشرند، تهران، ۱۳۶۲.
- ۱۴) برزین، سعودی، سیری در مطبوعات و ادبیات در دوره مشروطیت، ترجمه: محمد عباس، جلد دوم، تهران، ۱۳۳۷ ش.

- ١٥) برتلسي، ي، ا: تاريخ مختصر ادبيات ايران، لينبتراد، ١٩٢٨ (روسى).
 ١٦) تقى زادة، سيد حسن: روزنامه نظاري در ايران، در قرن سيزدهم، .
 ١٧) ثعالبي، نتيجة الدهر، ضاٹ دمشق.
 ١٨) صدر هاشمى، محمد، تاريخي جرايد ومجلات ايران، ضهار جلد، اصفهان.
 ١٩) مگى، حسين، تاريخ بيست ساله ايران، جلد دوم و سوم، تهران، ١٣٢٤.
 ٢٠) منتظم، ناصر، ج٣، حوادث سال ١٢٦٧ ه. ق.

مجلة ها و رونامة ها:

- ١) روزنامه كاوة، دوورز دوم شماره ٣٥.
 ٢) على شبرى، اولين روزنامه ايران، مطبعة سنق، دورة دو، ١٤، شماره ١.
 ٣) ترجمه نارى سرطذشت حاجي بابا اصفهاني درسال ١٩٠٥، به وسيله ناشر حبل المتين، مؤيد الاسلام، در كلكته تنشرشد.
 ٤) شفق سرخ، سال سوم، شماره ٢٢٨، سهشنبه ١٩ فرورديت ١٣٠٣ ش.
 ٥) اقبال، عباس، نخستين روزنامه فارسي ضاٹي دو ايران، ٦٣، مجلة يادطار، سال ١، شماره ٣ ميٲوى، مجتبى، كاروان معرفت، مجلة بقما، سال ٦، شماره ٨.

ثوخته

وشةى رۇذنامه لة زمانى فارسيدا، وشةيكي كۇنة، لة زۇربةى كئيبهكانى سةدهكانى ئيشووى ئيسلام، نهم وشةية به عثربةى بهشيوهى دروزنامضة دةركتوتوة.
 رۇذنامه به زمانة كۇنةكان بهواتاى ياداشت و رووداوةكانى رۇذانة بهكارهاتوة.
 راثيريني شعرشي بي شك لة دانرى ئةدبى ولاندا كاردانقوةى هتبووة لةزووى كۇمئلئك لة شاعير و نووسران به كۇمئلئى نازاديوخازن ئقيوةنديان كرد وبهدهسنئيكي مشروته مؤلئتيان زۇر ئيدراو ئينووسى خۇيان خسته كار.
 ئاش ئاشكراكردى مشروته و نازاى ضاٹهوانى ذمارهى رۇذنامهكان زيادبوو و دههها رۇذنامه لة تاران و شارهكانى ترى ئيران بلاوبونقوة.
 رۇذنامه وطۇظارى ئيران ميذوويتهكى سقرنج راكيش و شيرني هتية، يكي بيتهوى طورانكارى فقرهتني و ئةدبى ئيرانيهكان لة رۇذى بيدارى بهتاييقتى ئاش كاتةكانى نازادي مشروطه، به كورتى دهتوانريٲ بوتريت كهئيش مشروته رۇذنامه تووشى بهم شيوهى دواى مشروته بوونى نقبووة، بهسقرهئلدانى مشروته لة سالى ١٣٨٥ ش، رۇذنامه رۇذنامهئوسى به طشنى دقرطاي بۇ كرايقوة رۇذنامهيكي زۇر لةتاران و شارهكانى ترى ئيران زيادى كردو هقرلة زيادبووندابووة.
 ر رۇذنامهئوسى لة كاتةكانى مشروته ئهخشانى فارسى لة تةنطذوة، برده زهوى زيندوو رۇذانقبره ئيش دةضوو.